کارگردانی و دراماتورژی

سوزاندن خانه

یوجنیو باربا
ترجمه‌ی محسن تمدنی‌نژاد

www.ketab.ir

سرشناسه: باربا، یوجنیو، ۱۹۳۶ - م. Eugenio, Barba
عنوان: [illegible] بدآور: کارگردانی و دراماتورژی: سوزاندن خانه/یوجنیو باربا؛ محسن تمدنی‌نژاد.
مشخصات نشر: [illegible]ران، نشر بان، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۴۸۰ صفحه. ۱۳ در ۲۱/۵ س.م.
شابک: [illegible]-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: [illegible]پا
یادداشت: عنوان اصلی: 2010 Bruciare la casa ; Origini di un regis
یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی [illegible] عنوان
"On directing and dra[illegible]atu[illegible]y; bu[illegible]ing the house"
به فارسی برگردانده شده است
عنوان دیگر: سوزاندن خانه
موضوع: نمایش ـ تهیه و کارگردانی
موضوع: Theater -- Production and direction
موضوع: نمایش ـ فلسفه
موضوع: Theater -- Philosophy
شناسه افزوده: تمدنی‌نژاد، محسن، ۱۳۶۵ ـ، مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۲ک۲ب/ PN ۰۵۳
رده بندی دیویی: ۷۹۲/۰۲۳۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۸۱۹۸۳

www.ketab.ir

یه تئاتر باربا

کارگردانی و دراماتورژی؛ سوزاندن خانه
محسن ت[illegible]زاد

چاپ اول
ترجمه‌ی فارسی: بهار ۱۳۹۹
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: [illegible] نشربان (پریا اسماعیلی)
ویراستار: علی تدی[illegible] مونه خوان: فرهاد گلچین

شمارگان: ۱,۱۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان
همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

مدیریت هنری و طراحی گرافیک:
استودیو ملّی
امید نعم‌الحبیب/ مهسا قلی‌نژاد

مرکز پخش: پخش بان
انقلاب، خیابان بزرگمهر، پلاک ۲۲، طبقه‌ی اول،
تلفن: ۶۶۴۱۸۱۸۳-۰۲۱

فروش اینترنتی:
www.agahbookshop.com و www.baan.pub

۸۸,۰۰۰ تومان

instagram.com/baanpublishers

کاغذ «بالک»، همراه طبیعت

www.ketab.ir

فهرست

سپاسگزاری ۱۷
پرولوگ ۲۱
مقدمه: کشتزار خشت [illegible] ۳۳

۱. آیین تهی
واژه/پل‌ها ۴۳
از کجا می‌آیم؟ ۴۷
کثرت دراماتورژی‌ها ۵۵

میان پرده‌ی اول
فرزندان سکوت ۶۹

۲. دراماتورژی اندامگانی به‌مثابه سطحی از اندام‌بندی
دراماتورژی بازیگر ۸۳
آیین بی‌نظمی ۱۰۳
دراماتورژی صدا ۱۱۳
دراماتورژی فضا ۱۲۳
برای زندگی و ارتش آماده شو ۱۳۳
لحظه‌ی حقیقت ۱۳۹

www.ketab.ir

میان پرده‌ی دوم

روایت بازیگران، توضیح کارگردان ۱۵۱

۳. دراماتورژی روایی به‌مثابه سطحی از اندام‌بندی

تفکر خلاق ۱۹۵

از نظر تا بصر ۲۰۳

چه کسی مرا به این‌جا رساند؟ ۲۱۳

گره‌ها ۲۲۱

هم‌زمانی: روایت‌کردن براساس قوانین فضا ۲۲۷

اشو: شنا در حضوری مداوم ۲۳۵

خا[illegible]ه ادین ۲۳۹

[illegible] نه، [illegible]ه‌ی روایی ۲۴۹

مرکز ثقل ۲۶۳

کارکردن برا[illegible] کارک[illegible] با متن ۲۶۷

کائوسموس ۲۸۱

زنجیر شده به یک پارو ۳۰۹

میان پرده‌ی سوم

بیست سال بعد ۳۱۵

۴. دراماتورژی احضارگر به‌مثابه سطحی از اندام‌بندی

راه‌آهن سراسری سیبری ۳۵۱

منطقه‌ی گرمسیری خاطره ۳۵۷

بادهایی که می‌سوزانند ۳۶۵

دراماتورژی تماشاگر ۳۷۷

نظم فرّار ۳۸۳

سایه‌ها هم‌چون ریشه‌ها ۳۸۷

میان پرده‌ی چهارم

روایت‌های یک دفترچه‌ی یادداشت ۳۹۱

www.ketab.ir

۵. تئاتر از بند رسته

سوزاندن خانه ۴۰۷

یک دراماتورژی از میان دراماتورژی‌ها ۴۱۱

نامه‌ی کارگردان به دوست و مشاورش ناندو تاویانی ۴۱۷

تاخت‌وتازها و یورش‌ها ۴۲۵

اپیلوگ ۴۲۹

سخن آخر ۴۳۱

پیوست ۴۳۹

تصاویر ۴۴۳

نمایه ۴۷۵

www.ketab.ir

قدمه

کشف [illegible] خاش

صدایی باوقار
صدای قدم‌های دخترکی که با کفش‌های [illegible]
در میان راهرویی تاریک راه می‌رود
ــ کارن پرس[1]، *سرودنامه‌ی قناری*[2]

یک طراحی قدیمی وجود دارد که نقاشی را در حال کار نشان می‌دهد. دیوانه به نظر می‌رسد. هم‌زمان با پنج قلم‌مو کار می‌کند: یکی در دست راست، یکی در دست چپ، یکی بین انگشت پایش، چهارمی بین انگشت پای دیگرش و پنجمین قلم‌مو در دهانش. هر قلم‌مو مستقل از بقیه کار می‌کند. ما شاهد برآمدن پنج دنیای موازی، خودآیین و منسجم هستیم. آیا نقاش در حال

1. Karen Press
2. *The Canary Songbook*

www.ketab.ir

نمایش متد کاری خودش است یا آشکارا یک پریشانی درونی یا اختلالی تعمدی را بیرون می‌ریزد که می‌تواند سبب زایش پیوندها، مواجهه‌ها، طرح‌ها و تنش‌های غیرقابل پیش‌بینی شود؟

این طراحی اثر کاتسوشیکا هوکوسای[1] است. او آفریننده‌ی سی‌هزار چاپ و نقاشی است که آثارش همواره با سبک‌شکنی و تنوع‌های سبکی همراه بوده است. او برای هر تغییر سبکی، یک نام تازه در نظر می‌گرفت. (نیچه، پیکاسو و باب دیلن چقدر از این نام‌ها داشتند؟ میرهولد و گروتفسکی چطور؟) تنوع هوکوسای در استفاده از این نام‌ها، نشانگر تلاش او در نوآوری و گریزهایش از تکرار است.

او، [illegible] این، شاعر و خطاط هم بود. در کهنسالی از نوشتن و انتشار اثر [illegible] و حتا مستهجن لذت می‌برد. او در سال ۱۸۹۴ در سن هشتادویک [illegible] دست و این یکی از آخرین هایکوهای اوست:

می‌نویسم
پاک می‌کنم
از نو می‌نویسم
بازهم پاک می‌کنم
و سپس شکوفه‌های خشخاش.

اغلب این چند سطر را به این خاطر نقل می‌کردم که برایم [illegible] بسیاری از موقعیت‌هایی است که در تمرین‌هایم رخ می‌دادند و دیگر این‌که [illegible] شانه‌به‌شانه‌ی تکنیک‌های هنرمندانه‌ی گل‌کاری قرار می‌داد. گل‌های بسیاری هستند که گاهی وقتی از شاخه جدا می‌شوند برای مدتی طولانی زنده می‌مانند یا وقتی آن‌ها را پیوند می‌زنند، می‌توانند در زمینی متفاوت از خاستگاه‌شان رشد کنند. گل‌هایی هم هستند که وقتی چیده و یا پیوند زده می‌شوند، پژمرده می‌شوند و می‌میرند. اگر تلاش کنیم زیبایی خیره‌کننده‌ی خشخاش را به چنگ بیاوریم و آن را به گلدان خانه یا گلخانه‌ی باغچه‌مان

1. Katsushika Hokusai

www.ketab.ir

انتقال دهیم، ظرف چند دقیقه پژمرده می‌شود و می‌میرد.

روش‌هایی تکنیکی وجود دارند که به‌سادگی می‌توانند از شخصی به شخص دیگر منتقل شوند و در قواعدی شفاف خلاصه شوند. در حرفه‌ی ما، این قواعد سبب‌ساز زمینه‌ای عینی می‌شوند. در منتهاعلیه نقطه‌ی مقابل این قواعد، حرارت و گرمایی شخصی وجود دارد که هر فرد را از دیگری متمایز می‌کند. درجه حرارتی بی‌نظیر که تنها متعلق به خود او (مرد یا زن) است و هنگامی که تقلید شود به پارودی تبدیل می‌شود.

درمیانه‌ی این دو، کشتزار خشخاش است. در این‌جا ما تکنیک‌هایی را کشف می‌کنیم که شخصیتی دوگانه دارند. در یک‌سو واجد تمام ویژگی‌های مجموعه‌ای از اطلاعات و مهارت‌ها هستند که به‌مثابه فوت‌وفن تکنیکی تعریف می‌شوند. در سوی دیگر، این تکنیک‌ها آن‌چنان وابسته به محیطی هستند که در آن گسترش یافته‌اند که نمی‌توانیم احکام مطلقی را از آن‌ها استخراج کنیم.

تکنیک‌های کارگردانی به این گونه تعلق دارند.

در هر رشته‌ی هنری یک مؤلفه‌ی عمیقاً ذهنی وجود دارد. بااین‌حال بخشی از آن نیز هست که می‌تواند به‌عنوان دانشی عینی (مبنایی که امکان ساخت یک اثر شخصی را میسر می‌کند) از زندگی هنر، شرایط کاری و سبک هنری شخصی جدا شود.

کارگردانی، کاری آن‌چنان خاص است که صرفاً می‌توان آن را *در ارتباط با یک محیط بخصوص تئاتری* تعریف شود. کارگردان چیست؟ از دیدگاه زمینه‌ها، کارگردان کسی است که به بازنمایی انتقادی/زیبایی‌شناسانه‌ی یک متن اهمیت می‌دهد؛ در دیگر زمینه‌ها، کسی است که از هیچ، یک اجرا می‌آفریند. در برخی موارد، کارگردان، هنرمندی است که تصور تئاتری خود را دنبال می‌کند و در اجراهای گوناگون و با همکارانی که تغییر می‌کنند، این تصور را تحقق می‌بخشد. در دیگر موارد، یک حرفه‌ای شایسته است که می‌تواند میان عناصر ناهمگون اجرا هارمونی ایجاد کند. در برخی محیط‌ها، کارگردان هنرمندی خانه به‌دوش است که در جست‌وجوی یک کمپانی است تا موقتاً به شکلی قانونی کار کند. در برخی محیط‌ها هم کارگردان به شکلی نظام‌مند

www.ketab.ir

همواره با گروهی یکسان کار می‌کند که غالباً خود او رهبری‌شان را بر عهده دارد و مسئول آموزش و پرورش بازیگران است. بسیاری هستند که کارگردان را به‌عنوان یک هماهنگ‌کننده‌ی مجرب در نظر می‌گیرند. برخی دیگر اما او را در مقام مؤلف حقیقی اجرا و نیز نخستین تماشاگر آن می‌شناسند که تصمیم نهایی با اوست.

امروز، در نظر من، کارگردان کسی است که کارشناس واقعیت‌های زیر اتمی و درونی تئاتر است، مرد یا زنی که با روش‌های *واژگون سازی* پیوندهای مشهود میان مؤلفه‌های مختلف یک اجرا، دست و پنجه نرم می‌کند.

[illegible] از [illegible] وردهای بزرگ تئاتر قرن بیستم، رشد و شکوفایی مدل‌های مستقل تئاتری و برخی درون بوم‌های[1] تئاتری بوده است که به واسطه‌ی تنوع و گونا[illegible] زنی (این‌جا و آن‌جا) گسترش یافته‌اند. امروزه، نه یک سنت بلکه *سنت‌های کوچک* بسیاری و نه یک قاره بلکه مجمع‌الجزایری وجود دارند که تئاترهایی با سبک‌ها و ارزش‌های ناهماهنگ در آن‌ها زیست می‌کنند. این تئاترها در تکنیک‌ها، زمانمندی، محیط اقتصادی، منش و تشخص اجتماعی با هم تفاوت دارند. اغلب نه اهداف‌شان قابل مقایسه‌اند و نه تماشاگران‌شان.

واژه‌ی تماشاگر را به عمد به‌کار می‌برم. تاکنون از واژه‌ی «مخاطب» استفاده نکرده‌ام. گروتفسکی تأکید داشت که بازیگر نباید برای مخاطب بازی کند بلکه می‌بایست برای تماشاگر بازی کند. او می‌گفت واژه‌ی مخاطب مفهومی جامعه‌شناسانه دارد یا شکلی از روان‌شناسی جمعی را به ذهن متبادر می‌کند که جایگزین استقلال اندیشه‌ی شخص می‌شود. این اصطلاحات دربردارنده‌ی اوضاع و احوال انقلابی دهه‌ی ۱۹۶۰ بودند. علاوه براین، این حرف‌ها در لهستان زده می‌شدند، کشوری با رژیمی سوسیالیستی که نه‌تنها بر متحدالشکل‌کردن رفتار شهروندانش پافشاری می‌کرد بلکه می‌خواست ذهن و ضمیرشان را نیز یک‌شکل کند. بااین‌حال، گروتفسکی ورای اوضاع و احوال تاریخی، بینشی پیامبرانه داشت و تاریخ کلی تئاتر را در نظر می‌گرفت.

---

۱. enclave: در جغرافیای سیاسی، سرزمین یا بخشی از یک سرزمین است که به‌طور کامل در احاطه‌ی قلمرویی خارجی (از یک ایالت دیگر قرار گرفته) است ـ م.

www.ketab.ir